

تخت جمشید و علاقه باستان‌شناسان اتریشی: بازتاب تمدن پارسی در پژوهش‌های باستان‌شناسی

تخت جمشید (Persepolis)، پایتخت تشریفاتی امپراتوری هخامنشی در جنوب ایران، یکی از مهم‌ترین محوطه‌های باستانی جهان و میراث جهانی یونسکو است. این مجموعه عظیم، که در حدود ۵۱۸ پیش از میلاد به دستور داریوش اول ساخته شد، نه تنها نمادی از قدرت و شکوه امپراتوری پارسی است، بلکه به دلیل معماری بی‌نظیر، کتیبه‌ها، و نقش‌برجسته‌هایش، توجه باستان‌شناسان و پژوهشگران سراسر جهان، از جمله اتریش، را به خود جلب کرده است. باستان‌شناسان اتریشی، با سابقه‌ای طولانی در کاوش‌های باستانی در منطقه خاورمیانه، علاقه ویژه‌ای به تخت جمشید نشان داده‌اند و از طریق همکاری‌های علمی و نمایشگاه‌های فرهنگی، به مطالعه و معرفی این میراث پارسی پرداخته‌اند. در این متن، به بررسی ویژگی‌های تخت جمشید، نقش آن در باستان‌شناسی جهانی، و علاقه و مشارکت باستان‌شناسان اتریشی در مطالعه این محوطه تاریخی پرداخته می‌شود.

تخت جمشید: نماد تمدن هخامنشی

تخت جمشید، واقع در نزدیکی شهر شیراز در استان فارس، مجموعه‌ای از کاخ‌ها، تالارها، و بناهای تشریفاتی است که در دوره هخامنشیان (۵۵۹-۳۳۰ پیش از میلاد) ساخته شد. این محوطه شامل بناهایی مانند آپادانا، تالار صدستون، کاخ تچر، و دروازه ملل است که با نقش‌برجسته‌های دقیق و کتیبه‌های چندزبانه (به خط میخی پارسی باستان، عیلامی، و بابلی) تزئین شده‌اند. این آثار نه تنها شاهکارهای معماری و هنری هستند، بلکه اطلاعات ارزشمندی درباره فرهنگ، اقتصاد، و روابط دیپلماتیک هخامنشیان ارائه می‌دهند. تخت جمشید به عنوان مرکزی برای مراسم و گردهمایی‌های امپراتوری، بازتابی از تنوع فرهنگی و گستردگی قلمرو هخامنشی است که از هند تا مصر امتداد داشت.

باستان‌شناسی تخت جمشید: کاوش‌های اولیه و اهمیت جهانی

کاوش‌های باستان‌شناسی در تخت جمشید از قرن نوزدهم آغاز شد. اولین کاوش‌های علمی توسط باستان‌شناسان فرانسوی و آلمانی، مانند اوژن فلاندن و ارنست هرتسفلد، انجام گرفت. هرتسفلد در دهه ۱۹۳۰ نقش مهمی در شناسایی ساختارهای تخت جمشید و کشف گنجینه‌های آن، از جمله لوح‌های گلی، ایفا کرد. این کاوش‌ها نشان داد که تخت جمشید نه تنها یک مرکز سیاسی، بلکه یک مکان فرهنگی و مذهبی بود که هنر و معماری ملل مختلف را در خود

تلفیق کرده است. این ویژگی‌ها، تخت جمشید را به موضوعی جذاب برای باستان‌شناسان سراسر جهان، از جمله اتریش، تبدیل کرده است.

علاقه باستان‌شناسان اتریشی به تخت جمشید

اتریش، با سابقه‌ای غنی در باستان‌شناسی خاورمیانه از طریق مؤسسه باستان‌شناسی اتریش (Österreichisches Archäologisches Institut - ÖAI) وابسته به آکادمی علوم اتریش (ÖAW)، به مطالعه تمدن‌های باستانی خاورمیانه، از جمله تمدن هخامنشی، علاقه‌مند بوده است. اگرچه منابع آلمانی‌زبان اتریشی به‌طور خاص به کاوش‌های مستقیم باستان‌شناسان اتریشی در تخت جمشید اشاره‌ای ندارند، اما مشارکت آن‌ها در پژوهش‌های منطقه‌ای و نمایشگاه‌های فرهنگی مرتبط با ایران نشان‌دهنده توجه ویژه به این محوطه است.

1. نمایشگاه‌های فرهنگی و همکاری‌های بین‌المللی

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های علاقه اتریش به هنر و تمدن ایرانی، نمایشگاه «هفت هزار سال هنر ایران» بود که در سال ۲۰۰۰ در موزه تاریخ هنر وین (Kunsthistorisches Museum) برگزار شد. این نمایشگاه، که با همکاری موزه ملی ایران برگزار شد، شامل ۱۸۰ اثر از دوره‌های مختلف تاریخ ایران، از جمله آثار هخامنشی مرتبط با تخت جمشید، مانند ظروف سفالی، پیکرک‌ها، و اشیای تزئینی بود. این نمایشگاه، که تا آوریل ۲۰۰۱ تمدید شد، نشان‌دهنده استقبال گسترده از فرهنگ پارسی در اتریش بود و نقش مهمی در معرفی تخت جمشید به مخاطبان اروپایی ایفا کرد. به گفته ابراهیم رحیم‌پور، سفیر وقت ایران در وین، این نمایشگاه ظرفیت ایران برای همکاری‌های فرهنگی را به نمایش گذاشت.

2. فعالیت‌های مؤسسه باستان‌شناسی اتریش (ÖAI)

مؤسسه باستان‌شناسی اتریش، که در سال ۱۸۹۸ توسط اوتو بندورف تأسیس شد، در کاوش‌های باستانی در مناطق خاورمیانه، به‌ویژه در افسوس (ترکیه) و تل‌الدبعه (مصر)، فعالیت گسترده‌ای داشته است. اگرچه کاوش‌های مستقیم در تخت جمشید توسط این مؤسسه ثبت نشده، اما تحقیقات آن‌ها در زمینه تمدن‌های خاورمیانه، از جمله روابط فرهنگی بین مصر، شام، و ایران هخامنشی، به‌طور غیرمستقیم به درک بهتر تخت

جمشید کمک کرده است. برای مثال، مطالعات مانفرد بیتاک، استاد برجسته باستان‌شناسی مصری در دانشگاه وین، درباره روابط فرهنگی و تجاری در شرق مدیترانه در دوره برنز، به بررسی تعاملات تمدن هخامنشی با دیگر فرهنگ‌ها پرداخته است. این مطالعات نشان می‌دهند که تخت جمشید به‌عنوان مرکز امپراتوری هخامنشی، نقشی کلیدی در این تعاملات داشته است.

3. پژوهش‌های دانشگاهی و کنفرانس‌های بین‌المللی

دانشگاه وین و مؤسسه باستان‌شناسی آن میزبان کنفرانس‌های بین‌المللی، مانند کنفرانس باستان‌شناسی خاور نزدیک (ICAANE) در سال ۲۰۱۶، بوده‌اند که در آن‌ها موضوعات مرتبط با تمدن‌های خاورمیانه، از جمله هخامنشیان، بررسی شده‌اند. این رویدادها فرصت‌هایی برای باستان‌شناسان اتریشی فراهم کرده‌اند تا با همکاران ایرانی و بین‌المللی در زمینه‌هایی مانند معماری هخامنشی و نقش برجسته‌های تخت جمشید همکاری کنند. همچنین، نشریه *Archaeologia Austriaca* منتشر شده توسط آکادمی علوم اتریش، مقالاتی درباره باستان‌شناسی خاورمیانه منتشر می‌کند که گاه به تمدن هخامنشی و تخت جمشید اشاره دارند.

4. علاقه به شرق‌شناسی و هنر پارسی

در قرن‌های هجدهم و نوزدهم، شیفتگی اروپا به شرق‌شناسی (Orientalism) در اتریش نیز نمود یافت و آثار ایرانی، از جمله مینیاتورها و پارچه‌های زینتی، به مجموعه‌های سلطنتی هابسبورگ، مانند کاخ شونبرون، راه یافتند. این علاقه تاریخی به هنر پارسی زمینه‌ساز توجه باستان‌شناسان اتریشی به تخت جمشید در دوره مدرن شد. برای مثال، اتاق ایرانی در کاخ شونبرون با مینیاتورهای پارسی تزئین شده است که نشان‌دهنده تأثیر هنر هخامنشی و پسا‌هخامنشی بر فرهنگ اتریشی است.

اهمیت تخت جمشید برای باستان‌شناسان اتریشی

تخت جمشید به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردش، از جمله معماری پیچیده، نقش برجسته‌های چندفرهنگی، و کتیبه‌های چندزبانه، برای باستان‌شناسان اتریشی جذابیت ویژه‌ای دارد. این محوطه به‌عنوان نمونه‌ای از تلفیق هنر و معماری ملل مختلف (از جمله پارسی، بابلی، و یونانی) مورد مطالعه قرار گرفته و به درک بهتر روابط فرهنگی در خاورمیانه باستان کمک کرده است. همچنین، تخت جمشید به‌عنوان یک مرکز دیپلماتیک و تشریفاتی، اطلاعات ارزشمندی درباره ساختار سیاسی و اجتماعی هخامنشیان ارائه می‌دهد که با علایق پژوهشی اتریشی‌ها در زمینه باستان‌شناسی خاورمیانه هم‌خوانی دارد.

چالش‌ها و فرصت‌های همکاری

یکی از چالش‌های موجود، نبود کاوش‌های مستقیم باستان‌شناسان اتریشی در تخت جمشید است، که احتمالاً به دلیل محدودیت‌های سیاسی و لجستیکی در دهه‌های اخیر بوده است. با این حال، فرصت‌هایی مانند نمایشگاه‌های مشترک، پروژه‌های پژوهشی بین‌المللی، و همکاری با موزه‌های ایرانی می‌تواند به تقویت مشارکت اتریش در مطالعه تخت جمشید کمک کند. برای مثال، همکاری‌های مشابه با موزه ملی ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی نشان‌دهنده پتانسیل بالای این تعاملات است.

نتیجه‌گیری

تخت جمشید، به‌عنوان یکی از شاهکارهای تمدن بشری، نه تنها نمادی از شکوه هخامنشیان، بلکه موضوعی جذاب برای باستان‌شناسان اتریشی است که از طریق نمایشگاه‌ها، پژوهش‌های دانشگاهی، و مطالعات شرق‌شناسی به آن پرداخته‌اند. نمایشگاه «هفت هزار سال هنر ایران» در موزه تاریخ هنر وین، فعالیت‌های مؤسسه باستان‌شناسی اتریش، و کنفرانس‌های بین‌المللی نشان‌دهنده علاقه عمیق اتریش به تمدن پارسی است. این تعاملات فرهنگی و علمی، تخت جمشید را به‌عنوان پلی بین ایران و اتریش در حوزه باستان‌شناسی معرفی کرده و فرصت‌های جدیدی برای همکاری‌های آینده فراهم می‌کند. برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ ایران، موزه‌ها و مؤسسات اتریشی منابعی ارزشمند برای مطالعه این میراث جهانی هستند.

فهرست منابع

1. موزه تاریخ هنر وین. (بدون تاریخ). نمایشگاه‌های بین‌المللی: هفت هزار سال هنر ایران. بازیابی شده در ۹ مرداد ۱۴۰۴ از <https://www.khm.at/de/ausstellungen/archiv/7000-jahre-iran>
توضیح: این منبع اطلاعات رسمی درباره نمایشگاه «هفت هزار سال هنر ایران» در موزه تاریخ هنر وین ارائه می‌دهد که شامل آثار هخامنشی مرتبط با تخت جمشید بود.
2. مؤسسه باستان‌شناسی اتریش (ÖAI). (بدون تاریخ). تاریخچه و فعالیت‌های پژوهشی. بازیابی شده در ۹ مرداد ۱۴۰۴ از <https://www.oeaw.ac.at/oeai/ueber-das-oeai/geschichte>
این منبع به تاریخچه و فعالیت‌های مؤسسه باستان‌شناسی اتریش، از جمله پژوهش‌های مرتبط با خاورمیانه، اشاره دارد.
3. آرشیو ملی اتریش (Österreichisches Staatsarchiv). (بدون تاریخ). اسناد روابط دیپلماتیک هابسبورگ با خاورمیانه. بازیابی شده در ۹ مرداد ۱۴۰۴ از <https://www.statearchives.gv.at>
توضیح: این منبع اطلاعات تاریخی درباره روابط دیپلماتیک اتریش با ایران و تأثیر آن بر مجموعه‌های هنری ارائه می‌دهد.
4. بیتاک، م. (ویراستار). (۲۰۰۰). هم‌زمانی تمدن‌ها در مدیترانه شرقی. وین: آکادمی علوم اتریش. توضیح: این کتاب به بررسی روابط فرهنگی و تجاری در خاورمیانه باستان، از جمله تمدن هخامنشی، می‌پردازد.
5. آرکئولوژیا آستریا کا (Archaeologia Austriaca). (۲۰۲۳). باستان‌شناسی اروپا و خاورمیانه. وین: انتشارات آکادمی علوم اتریش. ISSN 0003-8008. توضیح: این نشریه مقالات علمی درباره باستان‌شناسی خاورمیانه، از جمله تمدن هخامنشی، منتشر می‌کند.